

نقد و بررسی شاخص مضامین آیات و سور در تاریخ‌گذاری با تأکید بر تحقیقات بلاشر

جعفر نکونام

دانشیار

دانشگاه قم

j.nekoonam@yahoo.com

صغری لکزایی (نویسنده‌ی مسئول)

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

دانشگاه قم

s_lakzaei1986@yahoo.com

از جمله دانش‌های علوم قرآنی که در قرون اخیر مورد توجه خاورشناسان از جمله بلاشر قرار گرفته، دانش تاریخ‌گذاری (chronology) و تعیین زمان نزول سور می باشد. مستشرقان در این زمینه روش‌های متفاوتی را ارائه نموده‌اند؛ یکی از معروف‌ترین روش‌ها، روش طبقه‌بندی چهار دوره‌ای سور می‌باشد که براساس سه دوره‌ی مکی و یک دوره‌ی مدنی مبتنا می‌شود. رژیس بلاشر (Regis Blachere) آخرین خاورشناسی است که در دوره‌ی معاصر به چنین طبقه‌بندی گرایش یافته است. از همین رو، نقد و بررسی دستاوردهای وی می‌تواند از ارزش علمی بیش‌تری برخوردار باشد.

این مستشرق فرانسوی پیرو سایر خاورشناسان، با تصور اینکه قرآن یک کتاب ادبی و اثر خود پیامبر است، سعی نموده تا با استفاده از شاخص‌های سبک‌شناسی نظیر مضمون آیات و سور، دوره نزول هر سوره را مشخص نماید؛ بدین معنا که سور هر طبقه مشتمل بر موضوعات خاصی می‌باشد. بنابراین با مشخص نمودن محدوده‌ی موضوعات، می‌توان دوره‌ی نزول هر سوره را تعیین نمود.

در نهایت با بررسی مشخص می‌شود که تاریخ‌گذاری به کمک هر مضمونی امکان‌پذیر نیست و تنها مضامینی که به وقایع تاریخ‌دار اشاره دارند، در تاریخ‌گذاری اعتبار دارند. این مقاله بر آن است تا تاریخ‌گذاری بلاشر را بر اساس شاخص نوع مضامین به تفصیل مورد نقد و بررسی قرار دهد.

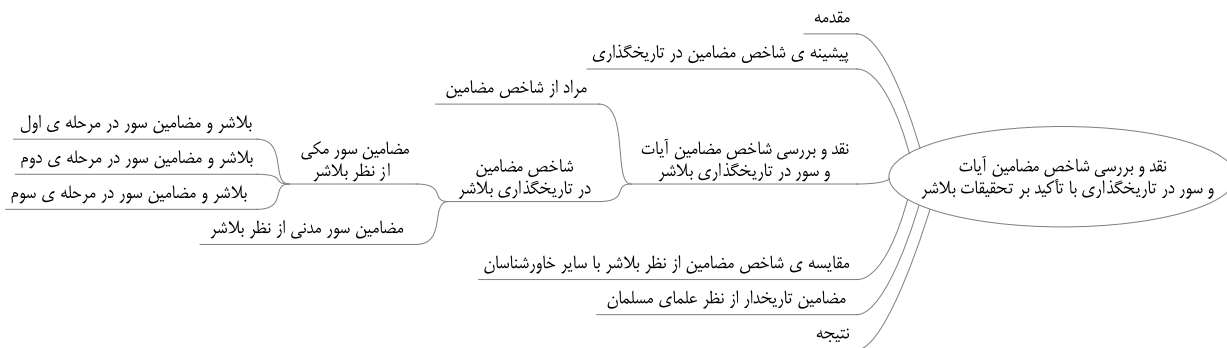
کلیدواژه‌ها: نقد و بررسی، شاخص مضامین، تاریخ‌گذاری قرآن، بلاشر

سال اوّل، شماره اوّل، بهار و تابستان ۱۳۹۳، صفحات ۱۴۷-۱۲۵

دانش‌نامه‌ی علوم قرآن و حدیث

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۶



مقدمه

تحقیقات صورت گرفته در زمینه‌ی تاریخ‌گذاری^۱ رژیس بلاشر^۲ نشان می‌دهد که وی همانند سایر خاورشناسان در این زمینه به روایات ترتیب نزول توجهی نداشته و بر اساس شاخص‌های سبک‌شناسی نظیر شاخص مضامین به طبقه‌بندی و تعیین زمان نزول سور اقدام نموده است. به طور طبیعی این سؤال مهم جلب نظر می‌کند که بلاشر با چه دلیل و توجیهی از آن دسته از مضامین آیات و سور که با زمان خاصی ملازمه ندارد، در تاریخ‌گذاری بهره برده است و اصولاً اعتبار و کارایی علمی شاخص مضامین در تاریخ‌گذاری تا چه اندازه می‌باشد؟

پیشینه‌ی شاخص مضامین در تاریخ‌گذاری

در سبک‌شناسی مستقلاً چیزی به عنوان شاخص مضامین وجود ندارد که بتوان به کمک آن به تاریخ تألیف متن پی برد. بنابراین باید آن را در زیر مجموعه‌های شاخص‌های جامع‌تری جستجو نمود. یکی از ابعاد مطرح در سبک‌شناسی، توجه به بعد فکری نویسنده می‌باشد؛ از آن جایی که سطح فکری به بررسی موضوعاتی می‌پردازد که به نوعی در ارتباط با مختصات فکری نویسنده است؛ لذا می‌توان شاخص مضمون را نیز متعلق به آن دانست و از این نظر نویسندگان در لابه‌لای کتب سبک‌شناسی به آن اشاره نموده‌اند. (شمیسا، ۱۳۷۸ش، ص ۱۵۳/ بهار، ۱۳۲۱ش، مقدمه)

با مقایسه‌ی سبک‌های متعلق به ادوار مختلف می‌توان دریافت که تقریباً در هر دوره، مضامین خاصی رواج داشته است. به عنوان مثال نشر مرسل در قرون چهارم و پنجم در رابطه با ستایش علم، گوهر خردورزی و آزاداندیشی بوده است، در حالی که نشر فنی در قرن ششم بیشتر به موضوعات تخیلی نزدیک بوده است. (شمیسا، ۱۳۸۰ش، صص ۴۰-

1- Chronology

2- Regis Blachere

۳۹ و ۷۶) و یا اشعار سروده شده در قرن سوم بیشتر از نوع ادب تعلیمی‌اند، ولی در قرن ششم به مسائل کلامی و علوم مختلف اختصاص یافته‌اند. (شمیسا، ۱۳۷۹ش، ص ۲۳ و ۱۷۷)

اما تعیین دوره‌ی تاریخی نظم و نثر صرفاً با این شاخصه امکان‌پذیر نخواهد بود چرا که در سبک‌شناسی به مؤلفه‌های دیگری نظیر فراوانی لغات فارسی یا عربی، استشهاد به آیات و روایات، ساختار فعل، ضمائر، مترادفات و متضادات نیز توجه می‌شود. (همو، ۱۳۸۰ش، ص ۳۶ و ۴۹ و ۷۶) بنابراین بهره‌گیری از شاخص مضمون به تنهایی، در شناسایی تاریخ پیدایش نظم و نثر معقول به نظر نمی‌رسد خصوصاً آن‌که بدانیم در تاریخ‌گذاری، مؤلفه‌های مهم‌تری نظیر ترقیم‌ها^۱ وجود دارند، در صورتی که متن، فاقد ترقیمه و اشارات تاریخی باشد، آن‌گاه به سراغ سبک‌شناسی اثر می‌رویم. در این موارد نیز با دقت در مجموع شاخص‌های سبک‌شناسی و نه یک شاخص، می‌توان راجع به تاریخ پیدایش شعر و یا هر متن دیگر اظهار نظر نمود.

دانشمندان علوم قرآن، نظیر صبحی صالح (۱۳۷۲ش، ص ۱۶۴) و سایر نویسندگان کتاب‌های تاریخ قرآن نیز ذیل برشمردن ملاک‌های اجتهادی جهت تمییز سوره‌های مکی از مدنی، به صورت ضمنی از شاخص مضمون سخن گفته‌اند. (رامیار، ۱۳۶۹ش، ص ۶۰۶؛ معرفت، ش ۱۳۸۲، ص ۵۰ و ۵۱؛ راد منش، ش ۱۳۷۴، ص ۱۷۱)

خاورشناسان، آنجا که طبقه‌بندی سوره‌های قرآن را در سه یا چهار طبقه یا بیشتر سامان داده‌اند، شاخصه‌های سبک‌شناسی نظیر مضمون آیات و سوره را مورد توجه قرار داده‌اند. (بلاشر، ۱۹۴۹م، ج ۲، ص ۶ / مونتگمری وات، بی‌تا، ج ۵، ص ۴۱۶ / نولدکه، ۱۹۹۸م، ص ۵۱ / رودول، ۱۹۰۹م، ص ۶۵-۲۰ و ۷)

از سایر کتاب‌های نوشته شده در این زمینه می‌توان به درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن (نکونام، ۱۳۸۰ش) و مستشرقان و تاریخ‌گذاری قرآن (اسکندرلو، ۱۳۸۵ش) اشاره نمود که به صورت گذرا به شاخص‌های سبک‌شناختی خاورشناسان پرداخته‌اند، اگر چه تفصیل لازم را نداده‌اند.

۱- ترقیم در لغت به معنای کتابت کردن، آراستن و نقطه نهادن خط گفته می‌شود. (شاد، ۱۳۶۳ش، ص ۲: ذیل ترقیم) این واژه در اصطلاح نسخه‌نویسان و کاتبان به عبارات پایان نُسَخ اطلاق شده که در آن پس از دعا و صلوات، از زمان و مکان کتابت و نام کاتب یاد شده است. (مایل هروی، ۱۳۸۰ش، ص ۲۸۶-۲۸۷؛ همو، ۱۳۷۲ش، ص ۵۹۵)

کاری که در این تحقیق مورد اهتمام است، این است که شاخص مضامین از مجموعه شاخص‌های سبک‌شناختی بلاشر در تاریخ‌گذاری قرآن به تفصیل مورد بررسی قرار گیرد و با تکیه بر سبک‌شناسی ادبی نقد و بررسی شود.

نقد و بررسی شاخص مضامین آیات و سور در تاریخ‌گذاری بلاشر

از جمله شاخص‌های سبک‌شناسی بلاشر در تاریخ‌گذاری قرآن، توجه به مضمون آیات و سور می‌باشد؛ بدین معنا که آیات مشترک‌المضامین متعلق به یک دوره‌ی نزول می‌باشند. به نظر می‌رسد که این شاخص نسبت به سایر شاخص‌های سبک‌شناختی مطرح شده‌ی بلاشر تقریباً قابل قبول است.

۱- مراد از شاخص مضامین

مراد از شاخص مضامین عبارت است از موضوعاتی که در سوره‌های قرآن از آن‌ها سخن رفته است. در سوره‌های قرآن حسب شرایط و مقتضیات زمان نزولشان موضوعاتی آمده است؛ نظیر یگانه‌پرستی و نفی شرک، مرگ و حیات پس از آن، بهشت و دوزخ، قصص انبیاء و اقوام گذشته، رفتارهای مشرکان مکه، اهل کتاب، منافقان و مسلمانان؛ جنگ‌ها. بلاشر و دیگر خاورشناسان از این موضوعات برای طبقه‌بندی و تاریخ‌گذاری سوره‌های قرآن بهره برده‌اند.

۲- شاخص مضامین در تاریخ‌گذاری بلاشر

بلاشر با استناد به شاخص مضامین این‌چنین می‌گوید: «من ترجیح دادم سوره‌هایی را که با هم شباهت موضوعی دارند، در طبقه‌هایی جداگانه گرد آورم و آن‌گاه میان طبقه‌هایی که با یکدیگر بیشترین هماهنگی و انسجام دارند با توجه به سیر رسالت پیامبر، توالی و ترتیب برقرار نمایم». (بلاشر، ۱۹۴۹م، ج ۲، ص ۶)

با تأمل در گفتار بلاشر دانسته می‌شود که بلاشر بیش از آن که به تاریخ‌گذاری سوره‌های قرآن توجه داشته باشد، به طبقه‌بندی آن‌ها توجه کرده است؛ لذا نمی‌توان بر او چندان خرده گرفت و دلیل طلب کرد.

روشن است که با طبقه‌بندی مضامین سوره‌ها نمی‌توان به تاریخ‌گذاری پرداخت. البته تاریخ‌گذاری به کمک مضامینی که تاریخ وقوعشان مشخص است امکان‌پذیر می‌باشد. مثل شکست روم، هجرت به حبشه و مدینه، جنگ بدر و احد و حنین و نظایر آن‌ها که مضامینی تاریخ دارند اما سایر مضامینی که تاریخ وقوعشان مشخص نیست، قابل تاریخ‌گذاری نیستند.

بلاشر سوره قرآن را در چهار مرحله‌ی جدول شماره‌ی ۱ سامان می‌دهد.

جدول شماره ۱- سامان‌دهی سوره قرآن در چهار مرحله توسط بلاشر

دوره‌ی مدنی		دوران مکی							
دوره‌ی چهارم		دوره‌ی سوم		دوره‌ی دوم		دوره‌ی اول			
عنوان سوره	ردیف	عنوان سوره	ردیف	عنوان سوره	ردیف	عنوان سوره	ردیف	عنوان سوره	ردیف
بقره	۹۳	سجده	۷۱	ذاریات	۵۰	نبأ	۲۶	علق (۱-۵)	۱
بینه	۹۴	فصلت	۷۲	قمر	۵۱	قیامت	۲۷	مدثر (۱-۷)	۲
تغابن	۹۵	جاثیه	۷۳	قلم	۵۲	رحمن	۲۸	قریش	۳
جمعه	۹۶	اسراء	۷۴	صافات	۵۳	قدر	۲۹	ضحی	۴
انفال	۹۷	نحل	۷۵	نوح	۵۴	نجم	۳۰	شرح	۵
محمد	۹۸	روم	۷۶	دخان	۵۵	تکاتر	۳۱	عصر	۶
آل عمران	۹۹	هود	۷۷	ق	۵۶	علق (۶-۱۹)	۳۲	شمس	۷
صف	۱۰۰	ابراهیم	۷۸	طه	۵۷	معارج	۳۳	ماعون	۸
حدید	۱۰۱	یوسف	۷۹	شعراء	۵۸	مزل	۳۴	طارق	۹
نساء	۱۰۲	مومن	۸۰	حجر	۵۹	انسان	۳۵	تین	۱۰
طلاق	۱۰۳	قصص	۸۱	مریم	۶۰	مدثر (۸-۵۵)	۳۶	زلزله	۱۱
حشر	۱۰۴	زمر	۸۲	ص	۶۱	مطففین	۳۷	قارعه	۱۲
احزاب	۱۰۵	عنکبوت	۸۳	یس	۶۲	مسد	۳۸	عادیات	۱۳
منافقون	۱۰۶	لقمان	۸۴	زخرف	۶۳	کوثر	۳۹	لیل	۱۴
نور	۱۰۷	شوری	۸۵	جن	۶۴	همزه	۴۰	انفطار	۱۵
مجادله	۱۰۸	یونس	۸۶	ملک	۶۵	بلد	۴۱	اعلی	۱۶
حج	۱۰۹	سبأ	۸۷	مومنون	۶۶	فیل	۴۲	عبس	۱۷

۱۸	تکویر	۴۳	فجر	۶۷	انبیاء	۸۸	فاطر	۱۱۰	فتح
۱۹	انشقاق	۴۴	بروج	۶۸	فرقان	۸۹	اعراف	۱۱۱	تحریم
۲۰	نازعات	۴۵	اخلاص	۶۹	نمل	۹۰	احقاف	۱۱۲	ممتحنه
۲۱	غاشیه	۴۶	کافرون	۷۰	کهف	۹۱	انعام	۱۱۳	نصر
۲۲	طور	۴۷	فاتحه			۹۲	رعد	۱۱۴	حجرات
۲۳	واقعه	۴۸	فلق					۱۱۵	توبه
۲۴	حاقه	۴۹	ناس					۱۱۶	مائده
۲۵	مرسلات								

۳- مضامین سور مکی از نظر بلاشر

از نظر بلاشر مضامین وحی در مکه به صورت زیر می‌باشد که به تفکیک مراحل سه گانه مکی، ابتدا گفتار وی آورده شده و سپس نقد آن مورد اهتمام قرار گرفته است.

الف) بلاشر و مضامین سور در مرحله‌ی اول

بلاشر ضمن معرفی مضامین قرآن به عنوان تنها راهنمای قابل اطمینان در تقسیم‌بندی سور، تاریخ‌گذاری سور مکی را به خاطر شاخص‌های اندک تاریخی مشکل‌تر از سور مدنی می‌داند. (بلاشر، ۱۳۷۴م، ص ۲۷۷) وی مضمون سور مرحله‌ی اول را در راستای تبیین اصول اعتقادی اسلام، نظیر وحدانیت خدا (همو، ۱۳۷۲م، ص ۶۱) و رستاخیز (همان، ص ۵۵) دانسته است.

بلاشر به هنگام بررسی مضامین سور مکی در دوره‌ی اول به سوره‌های معارج، مزمل، بلد و حمد استناد جسته است (همان، صص ۶۷ - ۶۵) که به ترتیب به گفتار وی و نقد آن‌ها پرداخته شده است.

به عقیده‌ی او طبق مصحف عثمانی از سوره‌ی معارج به بعد موضوع رستاخیز و دنیای پس از مرگ، موضوع تازه‌ای است که در این سوره‌ها ذکر شده و به تدریج گسترش یافته است. (همان، ص ۶۵)

در نقد این سخن باید گفت که اولاً، این گفتار در صورتی صحیح خواهد بود که موضوع قیامت در سوره‌های قبل از معارج پیشینه‌ی کاربردی نداشته باشد، در حالی که با ملاحظه‌ی سوره قبل از معارج چه در مصحف عثمانی چه در ترتیب خود بلاشر و چه در ترتیب نزول مشهور سوری را می‌توان یافت که مضمونشان کم و بیش راجع به دنیای پس از مرگ است.

طبق مصحف عثمانی، محوریت اصلی در سوره‌های واقعه و الحاقه به رستاخیز اختصاص یافته، همچنین در سوره‌های دیگری نظیر حج، یس، ملک و ... از حوادث قیامت، دلایل و قطعی‌الوقوع بودن آن سخن به میان آمده است چنان که با بررسی سوره قبل از معارج در ترتیب بلاشر نیز این مسئله مشهود است؛ توصیف قیامت و حوادث هولناک آن موضوع اصلی در سوره‌هایی نظیر الزلزله، الإنفطار، التکویر و القيامة قرار گرفته است، علاوه بر آن در آیات دیگر نیز به صورت ضمنی به این مسئله اشاره شده که نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت.

و در نهایت با ملاحظه‌ی سوره قبل از المعارج در ترتیب نزول مشهور به ندرت می‌توان سوره‌ای را یافت که در آن اشاره‌ای به معاد و زنده شدن مردگان نشده باشد. بنابراین با بررسی مشخص می‌شود قیامت و رستاخیز موضوع تازه‌ای نیست که از سوره‌ی المعارج به بعد مطرح شده باشد.

جدول شماره ۲- سوره‌های با مضمون قیامت و رستاخیز قبل از معارج

طبق ترتیب	سوره‌های قبل از معارج که در آن‌ها از رستاخیز سخن رفته است
ترتیب عثمان طه	انعام، اعراف، یونس، هود، ابراهیم، نحل، کهف، مریم، طه، انبیاء، مومنون، فرقان، نمل، قصص، سبأ، فاطر، یس، واقعه، الحاقه، حج، یس، ملک
ترتیب بلاشر	طارق، زلزله، قارعه، عادیات، لیل، انفطار، عبس، تکویر، انشقاق، نازعات، غاشیه، طور، واقعه، حاقه، مرسلات، نبأ، قیامت، تکاثر
ترتیب نزول مشهور	اعراف، یس، فرقان، فاطر، مریم، طه، نمل، قصص، یونس، هود، انعام، سبأ، کهف، نحل، ابراهیم، انبیاء، مومنون، بقره، آل عمران، نساء، رعد، حج، توبه

ثانیاً، گفتار بلاشر در صورتی صحیح است که در سوره‌های پس از معارج به موضوع قیامت اشاره شده و به تدریج گسترش یافته باشد. در حالی که طبق ترتیب بلاشر از میان پانزده سوره‌ای که در مرحله‌ی اول پس از سوره‌ی المعارج

قرار گرفته‌اند؛ شش سوره یافت می‌شود که در آن‌ها هیچ سخنی از معاد نیست، بلکه به موضوعات زیر اختصاص یافته‌اند.

جدول شماره ۳- موضوعات سوره‌ها در مرحله‌ی اول پس از معارج

مضمون سوره	نام سوره	شماره ردیف (ترتیب بلاشر)
در شأن پیامبر ﷺ و ابتر نبودن نسل وی	کوثر	۳۷
اشاره به حفظ کعبه در حمله‌ی سپاه ابرهه مربوط به سال تولد پیامبر ﷺ	فیل	۴۰
در این سوره، تنها سخن از توحید است	اخلاص	۴۳
درباره‌ی عدم سازش پیامبر ﷺ با مشرکان مکه	کافرون	۴۴
پناه بردن به خدا از شر هر صاحب شری	فلق	۴۶
پناه بردن به خدا از شر خناس	ناس	۴۷

بنا بر این، در این شش مورد نقض حتی نمی‌توان موضوع قیامت را به عنوان موضوع تغلیبی سور پس از معارج در ترتیب بلاشر عنوان نمود چه برسد به این که بخواهیم قائل به تفصیل آن شویم. اگر هم منظور بلاشر، سوره‌های پس از معارج در مصحف عثمانی باشد که با بررسی آن‌ها علاوه بر موارد شش گانه‌ی فوق موارد دیگری نیز یافت می‌شود که مضامینشان غیر از معاد است.

جدول شماره ۴- مضامین سوره‌های پس از معارج در مصحف عثمانی

مضمون سوره	نام سوره	شماره ردیف (مصحف عثمانی)
از مواهب سه گانه‌ی معنوی بر پیامبر ﷺ سخن گفته است.	شرح	۹۴
نزول قرآن در شب قدر	قدر	۹۷
سخن از خسران همه‌ی انسان‌ها به جز مومنان، عاملان به عمل صالح و سفارش‌کنندگان به حق و صبر	عصر	۱۰۳
بیان نعمت خداوند بر قریش	قریش	۱۰۶

نصرت و یاری خداوند	نصر	۱۱۰
--------------------	-----	-----

طبق ترتیب نزول مشهور^۱ نیز سوره‌ی الحجرات پس از سوره‌ی المعارج واقع شده و در آن هیچ اشاره‌ی صریحی به آخرت نشده؛ بلکه به موضوعات مهم اخلاقی پرداخته است.

سوره‌های المزل و البلد از سایر مستندات بلاشر در راستای شاخص مضامین هستند که محتوای قسمتی از آن‌ها نیز در ارتباط با رستاخیز است.

از نظر این خاورشناس علاوه بر رستاخیز، وحدانیت خدا موضوع دیگری است که محوریت سوره در این مرحله را به خود اختصاص داده است. وی در این باره چنین می‌گوید: «آغاز وحی مکی با شروع عبادت و شب زنده‌داری و دعا مقارن بوده است. شاید این امر به خاطر آن بوده است که مسلمانان نخستین، به گردآوری پنج سوره، مشتمل بر عبادات و ادعیه، احساس نیاز می‌کرده‌اند. پس از آن به سوره «حمد» نام فاتحه و سرآغاز داده شد؛ زیرا در اسلام با این سوره، فصل عبادت گشوده می‌شود». (همان، ص ۶۷)

اولاً؛ دو نکته از این گفتار برمی‌آید:

اول؛ آغاز وحی مکی مقرون با شب زنده‌داری و عبادت بوده است.

دوم؛ مسلمانان نخستین به گردآوری پنج سوره که مشتمل بر عبادات و ادعیه بوده است، احساس نیاز می‌کرده‌اند. با توجه به این دو می‌توان نتیجه گرفت که آغاز وحی مکی با این پنج سوره بوده است. بنابراین به هنگام بررسی بایستی به پنج سوره‌ی نخست در جدول ترتیب نزول توجه داشت.

ثانیاً؛ مضمون این سوره بایستی عبادت‌گونه باشد.

ثالثاً؛ سوره‌ی الفاتحه به دلیل داشتن مضمون عبادت‌گونه، بایستی جزو این سوره‌های یعنی ردیف‌های یک تا پنج باشد.

و اینک به صورت موردی به هر یک پاسخ داده می‌شود:

۱- بر طبق این ترتیب نزول از سوره‌ی علق (ردیف ۱) تا سوره‌ی مطففین (ردیف ۸۶) سوره مکی و از سوره‌ی البقره (ردیف ۸۷) تا سوره‌ی التوبه (ردیف ۱۱۴) سوره مدنی قرار گرفته‌اند؛ هم‌چنین سوره‌های الزلزله، الرعد، الرحمن و الإنسان علی‌رغم قرار گرفتن در میان سوره مدنی، مکی محسوب می‌شوند، به آن خاطر که مضمونشان بسیار شبیه به سوره مکی است.

اولاً؛ در ردیف‌های اول تا پنجم ترتیب بلاشر سوره‌های العلق، المدثر، قریش، الضحی و الشرح قرار گرفته‌اند. ثانیاً؛ مضمون این سور دعاگونه نیستند. توضیح این که متن دعایی نحوه‌ای از سخن گفتن است که گوینده‌ش بشر و مخاطبش خدا باشد. به عنوان مثال تمام آیات سوره‌ی الحمد این‌گونه‌اند؛ اما تنها معدودی از آیات سایر سوره‌ها ممکن است دعایی باشد. بررسی سوره‌های العلق، المدثر، قریش، الضحی و الشرح نشان می‌دهد که مضمون آن‌ها دعاگونه نیست.

ثالثاً؛ علی‌رغم دعایی بودن مضمون سوره‌ی الحمد اما این سوره در میان سور پنج‌گانه‌ی نخست ترتیب بلاشر دیده نمی‌شود و در ردیف ۴۵ آمده است که البته قرار دادن آن در این ردیف نیز بی‌دلیل بوده است زیرا از نظر وی این سوره، اسلام را در برابر مذاهب یهود و نصارا قرار می‌دهد. بنابراین اصولاً قرارگیری آن در دوره‌ی اول مکی وجهی نمی‌یابد. (بلاشر، ۱۳۷۴ش، ص ۲۸۷) شاید بلاشر تقابل اسلام با این ادیان را از روایاتی که مصداق ﴿غیر المغضوب علیهم و الضالین﴾ را یهود و نصارا معرفی کرده‌اند، دریافت کرده است. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۴) و نهایتاً وحدانیت خدا موضوعی نیست که صرفاً به سوره و یا دوران خاصی اختصاص داشته باشد، بلکه آیات متعددی از سوره‌های قرآن کریم درباره‌ی توحید، دلایل آن و توصیف صفات خدا می‌باشد. به عنوان مثال آیه‌ی ۲۲ سوره‌ی انبیاء به برهان تمنع از برهان‌های مهم توحیدی پرداخته و در مرحله‌ی دوم ترتیب بلاشر قرار گرفته است. تا این قسمت، نظرات بلاشر درباره‌ی مضامین رستاخیز و توحید در مرحله‌ی اول مورد بررسی قرار گرفت؛ اما همو در جای دیگر از مضمون سور مکی مرحله‌ی اول این سخن می‌گوید:

«در بسیاری از سوره‌ها که رازهای الاهی درباره جهان بیان می‌شود، نظیر ستارگان، کوه‌های مقدّس و سایر مظاهر وجود، اصولاً سوره با آن مفاهیم آغاز می‌گردد.» (۱۳۷۲ش، ص ۶۷)

به چه دلیل در سوره‌های مرحله‌ی اول باید از رازها یا نشانه‌های الاهی در طبیعت سخن برود و چنین صفتی در مرحله‌های بعد نباشد؟ این ادعا نه دلیل نقلی دارد و کسی چنین چیزی را نقل کرده و نه دلیل عقلی؛ چرا که به موجب عقل نیز دلیلی بر این انحصار وجود ندارد.

گذشته از ایرادها با ملاحظه‌ی ترتیب بلاشر اشکالات دیگری نیز به ذهن‌خطور می‌کند که در زیر مجموعه‌ی شاخص مضامین قرار می‌گیرند. بر طبق ترتیب بلاشر سوره‌های العلق و المدثر هر کدام به دو فقره تقسیم شده‌اند، قسمت اول در ردیف‌های اول و دوم؛ قسمت دوم در ردیف‌های ۳۲ و ۳۶ قرار گرفته‌اند.

به نظر می‌رسد بلاشر از روایاتی که به نزول دو مرحله‌ای این سوره اشاره داشته‌اند، تأثیر پذیرفته است. در حالی که این روایات بایستی از نظر سند مورد بررسی قرار گیرند؛ چنانچه قطعی‌الصدور بودن آن‌ها از معصوم علیه السلام دال بر تجزیه‌ی سوره‌ای به مکّی یا مدنی یا بودن چند آیه از سوره مکّی با عنوان مدنی محرز شود، می‌توان به آن استناد جست. مضاف بر این که در تطبیق روایت بر قرآن پیوستگی آیات را نیز باید مد نظر قرار داد.

پنج آیه‌ی نخست سوره‌ی العلق به دو دلیل نمی‌تواند نزول مستقلی داشته باشد. (نکونام، ۱۳۸۲ش، ص ۷۵-۷۳) اولاً؛ در ۵ آیه‌ی نخست، کلمه‌ی إقرأ به کار رفته بدون این که ذکری از متعلق آن به میان آید. با توجه به آیاتی که در آن‌ها مراد از قرائت، نماز می‌باشد. (الإسراء، ۷۸ و نیز المزمّل، ۲۰)؛ در اینجا نیز یکی از احتمالات می‌تواند این باشد که پیامبر صلی الله علیه و آله به خواندن نماز فرمان داده شده است چنان که مضمون روایات شأن نزول نیز به نماز خواندن پیامبر صلی الله علیه و آله آن هم در شرایطی که ابوجهل به ایشان آزار و اذیت می‌رسانید اشاره دارند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۵۷ و ۲۰۹/ ابن‌حنبل، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۹۳) از طرف دیگر در آیه‌ی پایانی این سوره نیز از سجده که یکی از ارکان اصلی نماز است، سخن به میان آورده، این‌ها همگی قرائتی است که ثابت می‌کنند مراد از إقرأ که در آیات نخستین این سوره به کار رفته، دستور ادامه‌ی نماز به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌باشد که آیه‌ی پایانی به آن اشاره می‌کند: «كَلَّا لَا تَطَعَهُ وَأَسْجِدْ وَأَقْتَرِبْ» یعنی: ای پیامبر بر نمازت مداومت کن و از نهی ابوجهل اطاعت مکن. بنابراین پیوستگی آیات ۱ تا ۵ با سایر آیات به روشنی مشهود است.

ثانیاً؛ راه دیگر اثبات پیوستگی میان آیات این سوره، لفظ کلاً در صدر آیه‌ی ششم می‌باشد. توضیح این که در زبان عربی کلاً حرف ردع و انکار می‌باشد که مستقلاً معنایی نداشته بلکه در جهت اثبات یا رد مطلب قبلی بیان می‌شود. (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۵۱۳) بنابراین حرف کلا در آیه‌ی ششم مرتبط با آیات قبل یعنی ۵ آیه‌ی آغازین بوده و نزول جداگانه‌ای نداشته است.

و اما در رابطه با هفت آیه‌ی نخست سوره‌ی المدثر نیز نمی‌توان گفت به طور جداگانه نازل شده‌اند چرا که ظاهر آیات این سوره نیز پیوستگی کامل میان هفت آیه‌ی نخست با آیات مابعد را می‌رساند. در آیه‌ی هشتم این سوره چنین آمده است: ﴿فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ﴾؛ همان‌طور که ملاحظه می‌گردد این آیه نیز با فاء عطف شروع شده و بر همه مشخص است که حروف عطف حاکی از پیوستگی لفظی جمله‌ای که در آن حرف عطف به کار رفته با عبارت ما قبل می‌باشند. (همان، ص ۵۰۴)

ب) بلاشر و مضامین سور در مرحله‌ی دوّم

از نظر بلاشر، سور این مرحله، مفصل، مشروح و حاوی مطالب متنوع‌اند؛ و به تعبیر وی از هر در سخنی است. بلاشر این‌گونه استدلال می‌کند که نقش پیامبر ﷺ به عنوان هشداردهنده او را بر آن می‌داشت که از مسائل مختلفی با مردم سخن گوید؛ آن‌گاه در ادامه، سوره‌ی الکهف را به عنوان شاهد مثال می‌آورد که در آن حتی در باب سدسازی ذوالقرنین نیز آیاتی آمده است. از نظر وی اعتقاد به یگانگی خدا، تأکید بر صفات ابدیت، ازلیت، دنیای پس از مرگ و تنزیه خداوند، ذکر افسانه‌ها و داستان‌های معهود در میان عرب از سایر موضوعات مطرح شده در این مرحله می‌باشند. (۱۳۷۲ش، ص ۶۸ و ۶۹)

در هنگام مطالعه‌ی گفتار بلاشر توجه به دو نکته لازم است:

اولاً: تمامی سور در این دوره مفصل و مشروح نیستند؛ از میان ۲۱ سوره‌ی این مرحله، مطابق مصحف عثمان طه، هفت سوره تعداد صفحات‌شان کمتر از سه صفحه می‌باشد که توجه به آن در مقایسه با ۱۳ سوره که تعداد صفحات‌شان بیش از پنج می‌باشد قابل ملاحظه است.

ثانیاً: این‌گونه هم نیست که در سور قرآن بی‌جهت از مطالب گوناگون صحبت شده باشد آن‌گونه که بلاشر تصور نموده؛ گویا وی با مطالعه‌ی داستان ذوالقرنین و ماجرای سدسازی او گمان کرده که در سور این مرحله هر موضوعی را باید یافت. بله ممکن است که در برخی از سور مکی چه در این مرحله و چه در مراحل دیگر از مسائل مختلفی صحبت شده باشد اما همگی آن‌ها در راستای اصول اعتقادی نظیر توحید، معاد و نبوت که محوریت تمامی سور مکی را تشکیل می‌دهند، بوده است.

و اما درباره‌ی استدلال بلاشر مبنی بر اقتضای نقش پیامبری و سخن گفتن از مسائل مختلف، باید گفت که این پیامبر ﷺ نیست که تعیین می‌کند در آیات از چه مسئله یا مسائلی سخن گفته شود؛ به عبارت بهتر، پیامبر ﷺ تعیین‌کننده‌ی محتوای وحی‌ها نیست، بلکه وحی الهی بسته به مشیت اوست. بنابراین اگر مشیت الهی بر این تعلق گیرد که در راستای هدایت مردم از موضوعات مختلفی سخن گفته شود، بالتبع محتوای آیاتی که بر پیامبر ﷺ نازل می‌شود نیز متنوع خواهد بود.

با وجود این که سوره الرحمن از جمله مستندات بلاشر در تبیین مضمون سوره مرحله‌ی دوم می‌باشد، اما جالب توجه است که این سوره در ترتیب وی در دوره‌ی اول مکی با ردیف ۲۸ام قرار گرفته است. (همان، ص ۶۸) و سخن آخر این که شاید بلاشر خواسته بگوید که به صورت کلی سوره این مرحله از موضوعات مختلفی سخن گفته اند نه این که هر سوره مشتمل بر مضامین مختلف می‌باشد.

ج) بلاشر و مضامین سوره در مرحله‌ی سوم

از نظر بلاشر محتوای آیات در دوره‌ی سوم به آیات مدنی در دوره‌ی چهارم شباهت دارد؛ در حالی که آیات دوره‌ی دوم چنین شباهتی را ندارند. (همان، ص ۷۱) با در نظر گرفتن قرب زمانی این مرحله با مرحله‌ی چهارم طبیعی است که محتوای برخی از سوره نیز نزدیک به دوره‌ی مدنی باشد.

وجه تمایز دیگر از نظر بلاشر وجود آیات مبتنی بر شروع عبادات و انجام فرائض دینی است، اما نه با سخت‌گیری لازم در این مرحله (همان، ص ۷۷) اما چه دلیلی بر این ادعا وجود دارد؟ طبق نقلی که هست، پیامبر ﷺ و مسلمانان از همان آغاز دعوت نماز می‌خواندند و خدا را عبادت می‌کردند. به این ترتیب، تصور این که در اواخر دوره مکی عبادت تشریح شده است، نمی‌تواند صحیح باشد.

علاوه بر آن وی به موضوعات مشترک این مرحله با مراحل قبل نظیر ابدیت و قهاریت خداوند، لزوم پرهیزگاری، قصص انبیاء، مسأله‌ی قیامت و زندگی پس از مرگ نیز اشاراتی داشته است. (همان، ص ۷۵-۷۳)

گفتار بلاشر پیرامون مضامین سوره در مرحله‌ی سوم تقریباً خالی از اشکال به نظر می‌رسد، اما این که گفته فرائض دینی در این مرحله مورد اهتمام جدی قرار نمی‌گرفته و آیات ۷۸ و ۷۹ الإسرائ را شاهد مثال آورده، نیاز به توضیح دارد. طبق روایات، فریضه‌ی نماز از همان آغاز رسالت بر پیامبر ﷺ واجب گردید و مسلمانان نیز به همراه او نماز می‌گزاردند. اساساً نماز یک سنت ابراهیمی بود که مشرکان مکه هم آن را برگزار می‌کردند؛ بنابراین ادعای این که تا اواخر بعثت نماز واجب نشده باشد، مخالف آیات و روایات و شواهد تاریخی است.

علی‌رغم آن که سوره‌ی الروم در این مرحله قرار دارد اما گویا بلاشر با توجه به مضمون این سوره در جای‌گذاری آن بین دو مرحله‌ی مکی و مدنی تردید داشته است. از نظر بلاشر این سوره می‌توانسته متأثر از چند واقعه باشد؛ واقعه‌ی اول در سال ۶۱۳ میلادی پس از شکست رومیان از ایرانیان، واقعه‌ی دوم در سال ۶۲۴ میلادی پس از پیروزی رومیان بر ایرانیان، واقعه‌ی سوم در سال ۶۲۹ میلادی پس از پیروزی رومیان بر مسلمانان در جنگ موتة. (همان، ۱۳۷۴، ص ۲۷۷)

از آن جایی که زمان هجرت پیامبر ﷺ در تاریخ ۶۲۲ میلادی بوده، لذا بر طبق واقعه‌ی اول این سوره مکی و بر طبق وقایع دوم و سوم، این سوره مدنی خواهد بود.

با مراجعه به کتب روایی و تفسیری ملاحظه می‌گردد که این سوره پس از شکست رومیان از ایرانیان و در مکه نازل شده است. این جنگ در شرایطی درگرفت که مسلمانان مکه در اقلیت بودند، مشرکان می‌گفتند ایرانیان مجوس‌اند و مشرک (دوگانه‌پرست) اما رومیان اهل کتاب‌اند لذا این پیروزی را دلیل بر حقانیت شرک خود دانستند و پیش‌بینی می‌نمودند که به زودی طومار اسلام نیز به همین صورت پیچیده خواهد شد. آیه نازل شد تا مشرکان بدانند که طی مدت اندکی دیگر رومیان پیروز می‌شوند. (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۵۱ / طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۴۶۱ / مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۳۵۹)

بنابراین نزول این سوره در دوره‌ی مدنی قابل قبول نمی‌باشد و شکست روم به طور قطع بایستی مابین ۶۱۰ میلادی (بعثت) تا ۶۲۲ میلادی (زمان هجرت) بوده باشد. چنان‌چه شواهد تاریخی نیز مؤید این نظر می‌باشند؛ بر طبق کتاب‌های تاریخی در اواخر سال ۶۱۷ میلادی نبرد میان خسرو پرویز پادشاه ساسانی با هراکلیوس رومی درگرفت که در طی آن

کالسدون به دست ایرانیان فتح شد و به این طریق تمام متصرفات رومیان در آسیای صغیر و آفریقای شرقی به دست ایرانیان افتاد. (رازی، ۱۳۸۶ش، ص ۸۲ و ۸۳)

هم‌چنین گزارش شده که در اواخر سال ۶۲۷ میلادی در دشت نینوا باز هم میان این دو پادشاه نبردی درگرفت، در طی این جنگ رومیان خساراتی را به بهترین ایالات ایران وارد آوردند و فرار خسرو در مقابل دشمن لطمه‌ی سختی بر حیثیت این پادشاه ساسانی وارد آورد. (همان)

۴- مضامین سوره مدنی از نظر بلاشر

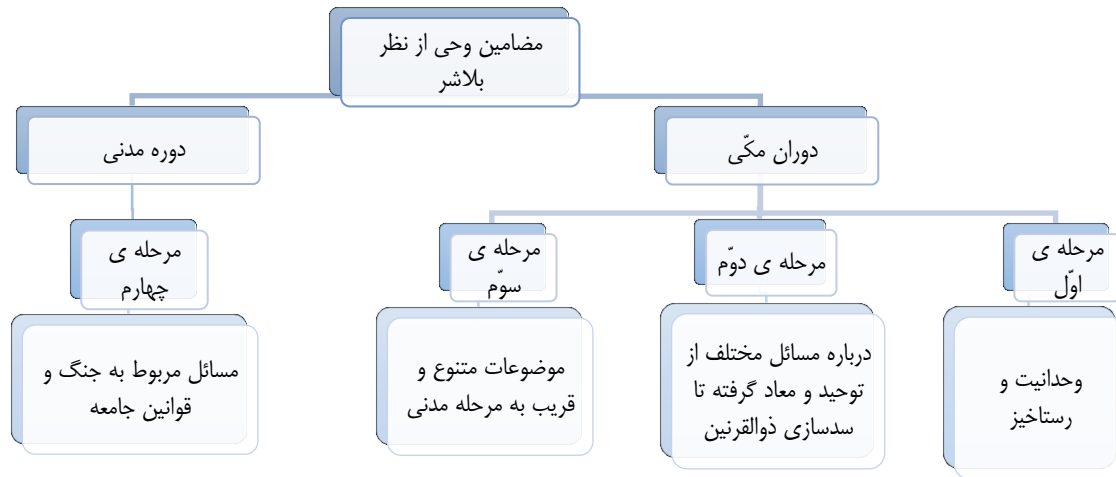
از نظر بلاشر موضوعات و مسائل روز، مسائل مربوط به جنگ‌ها و کشمکش‌های مسلحانه در این دوره غالباً سایر موضوعات را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. (۱۳۷۲ش، ص ۸۷)

از نظر وی در آیات مدنی حوادثی بازگو شده‌اند که زمان وقوع آن‌ها چندان جلوتر از نزول آیات نبوده‌اند. نظیر سوره‌ی النور که به محاصره‌ی مدینه توسط اهالی مکه مقارن پایان سال پنجم هجری (آغاز ۶۲۷ میلادی) اشاره دارد. (بلاشر، ۱۳۷۴ش، ص ۲۷۷ و ۲۷۸)

از آن جایی که در سوره‌ی النور از واقعه‌ی افک سخن گفته شده و از طرف دیگر میان سبب نزول آیه و نزول آن نمی‌تواند فاصله‌ی زیادی وجود داشته باشد، لذا با تعیین تاریخ وقوع افک می‌توان تاریخ نزول این سوره را تخمین زد. طبق کتب سیره‌ی پیامبر ﷺ، واقعه‌ی افک و به دنبال آن نزول سوره‌ی النور در سال هشتم هجرت گزارش شده در حالی که بلاشر آن را متعلق به سال پنجم هجرت دانسته است. (عاملی، ۱۴۲۸ق، ج ۱۳، ص ۱۶۷ و ۱۶۸)

با بررسی ترتیب بلاشر ملاحظه می‌گردد که در این سوره‌ها اغلب به مقررات متفرق نظیر خانواده، نکاح، طلاق که جنبه‌ی قانونگذاری دارد، پرداخته شده است.

به طور خلاصه می‌توان گفت از نظر بلاشر مضامین سوره در مراحل چهار گانه‌ی وحی به صورت زیر می‌باشد.



شکل شماره ۱- مضامین سور در مراحل چهارگانه‌ی وحی از نظر بلاشر

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، بلاشر با دقت در موضوعات سور و تنوع آن‌ها دوره‌ی نزول هر یک را مشخص کرده است. اگر چه این شاخص نسبت به سایر شاخص‌های سبک‌شناسی در تاریخ‌گذاری معتبرتر به نظر می‌رسد، اما سئوالاتی مطرح می‌شود که شاخص مضمون را در معرض تردید قرار می‌دهد، این‌که چه دلیلی دارد در مرحله‌ی اول تنها از وحدانیت و رستاخیز، در مرحله‌ی دوم و سوم از موضوعات متنوع و در مرحله‌ی چهارم تنها از قوانین مربوط به جنگ و جامعه سخن گفته شود؟ اصولاً به چه دلیل یک دسته به لحاظ تاریخی باید قبل از دسته دیگر بیاید؟ آیا صرف مشابهت مضامین دلیل قاطعی بر مکی یا مدنی بودن سوره قلمداد می‌شود؟

با دقت در ترتیب روایی ملاحظه می‌گردد که مضمون سور مکی عمدتاً درباره‌ی اصول اساسی اسلام نظیر توحید، معاد، نبوت، عدل و امامت می‌باشند چرا که در مکه مشرکانی قرار داشتند که در این اصول تردید داشتند لذا شرایط اقتضا می‌کرد که سور مکی مضمون‌شان بیشتر راجع به این اصول باشد و در چنین شرایطی بحث از فروع دین و

مسائلی که در سوره مدنی مطرح شده بیهوده بود. به دلیل همین شباهت مضمون، سوره‌های الرعد، الزلزله، الرحمن و الإنسان علی‌رغم آن که در ترتیب روایی در میان سوره مدنی آمده‌اند، اما مکی محسوب می‌شوند. بنابراین به صورت کلی و با جنبه‌ی تغلیب می‌توان مضمون سوره مکی و مدنی را مشخص نمود. ولی این دلیلی بر انحصار موضوع در مرحله‌ی خاصی نمی‌شود. نتیجه این که صرف مشابهت مضامین دلیل قاطعی بر مکی یا مدنی بودن نیست و تا در خود سوره تصریح یا اشاره‌ی قوی به رویدادهای خاص مکی یا مدنی نباشد نمی‌توان به مکی یا مدنی بودن آن‌ها حکم کرد. (نکونام، ۱۳۸۰ش، ص ۱۴۲)

مقایسه‌ی شاخص مضامین از نظر بلاشر با سایر خاورشناسان

همان‌طور که قبلاً بیان شد علاوه بر بلاشر، تئودرنولدکه و رودول نیز پیرو نظام طبقه‌بندی چهار دوره‌ای وایل بوده‌اند. از جمله معیارها در ساماندهی این نظام، توجه به مضامین وحی و محتوای آیات مربوط به شرایط و وظایف گوناگون پیامبر ﷺ می‌باشد (مونتگمری وات، بی‌تا، ج ۵، ص ۴۱۶) که در زیر ابتدا به بررسی این شاخص از دیدگاه وایل، نولدکه و رودول پرداخته و سپس نقد کلی به آن‌ها زده شده است.

گوستاو وایل؛ این خاورشناس آلمانی از مضمون سوره در مرحله‌ی اول سخنی به میان نمی‌آورد اما بر این نظر است که آیات در طبقه‌ی دوم راجع به صفات الهی هم چون رحمت، توصیف بهشت و دوزخ، چگونگی عقاب و عذاب و نشانه‌های خدا در طبیعت می‌باشند؛ در طبقه‌ی سوم داستان انبیاء و کیفرهای اخروی با جزئیات بیشتری بازگو شده و در طبقه‌ی چهارم سیر حوادث پس از هجرت با پی‌گیری آیاتی که بیانگر قدرت و فرمان‌روایی فزاینده‌ی سیاسی و اجتماعی پیامبر ﷺ دنبال شده است. (همان، ص ۴۱۸)

با مقایسه‌ی میان ترتیب بلاشر و گوستاو وایل می‌توان گفت که وحدانیت و رستاخیز موضوع مطرح در مرحله‌ی اول ترتیب بلاشر است در حالی که وایل آن را شاخصه‌ی سوره مرحله‌ی دوم می‌داند. از آنجایی که بلاشر به قرابت مضامین سوره مرحله‌ی سوم با دوره‌ی مدنی اشاره نموده و راجع به موضوعات هر دوره به صورت مجزا و جامع سخن گفته، لذا معلوم می‌شود که وی به مضمون آیات در تاریخ‌گذاری توجه بیشتری داشته است.

تئودر نولدکه، از نظر وی در مرحله‌ی اول موضوعات مختلف و عجیب و غریبی یافت می‌شود. پیامبر ﷺ به طور مکرر از کشف و شهودهایی سخن می‌گوید تا جایی که به نظر می‌رسد فرشتگانی را به صورت مجسم دیده است. هم‌چنین در این سوره‌ها وصف‌هایی روشن و مؤکد از رستاخیز وجود دارد، نعمت‌های بهشت و رنج و عذاب‌های دوزخ به گونه‌ای پرشور و هیجان‌انگیز مطرح شده‌اند؛ البته تمامی سوره‌های این مرحله چنین شدتی نداشته‌اند، بلکه آخرین سوره‌های آن به گونه‌ی آرام‌تری بیان شده است. (نولدکه، ۱۹۹۸م، ص ۵۱)

سور این مرحله به لحاظ موضوع به هشدارهای جدی پیشگویانه درباره‌ی پایان این جهان و داوری نهایی پروردگار درباره‌ی انسان‌ها اشاره دارند، گزارش‌هایی مربوط به حملات شدید پیامبر علیه دشمنان مکی خود به خاطر پیروی آنان از آیین قبیله‌ای نیاکانشان و نیز مطالبی درباره‌ی تکذیب‌های تند مشرکان و اتهامات زیان‌بارشان در برابر ادعای وحیانی بودن سخنان پیامبر که آن حضرت را به انگیزه‌ی اهانت کردن، کاهن و شاعر و مجنون می‌خواندند؛ در این دوره به چشم می‌خورد.

اگر چه نولدکه به متنوع بودن مضامین سور مرحله‌ی اول اشاره نموده است، اما با تأمل در گفتار وی می‌توان فهمید که او نیز همانند بلاشر تأکید بیشتری بر رستاخیز در مرحله‌ی اول داشته در عین این‌که او در مرحله‌ی دوم، تنها به تفصیل قصص انبیاء ﷺ اشاره نموده است.

نولدکه درباره‌ی موضوعات مطرح در سایر مراحل این‌گونه ادامه می‌دهد؛ در مرحله‌ی میانی وحی قصص انبیاء ﷺ که احیاناً در مرحله‌ی نخست به صورت کوتاه مطرح می‌شد، در این مرحله به گونه‌ی مفصل‌تری بازگو می‌گردد، به ویژه ذکر عواملی که به طور خاص از داستان موسی ﷺ نقل شده است. مانند سرزنش دشمنان او و تشویق آن حضرت و شمار اندکی از پیروان او. مفاد سوره‌ها در طبقه‌ی سوم آموزنده و اصلاح‌گر است و می‌تواند به عنوان نمایی از خشم یا رنجش پیامبر در برابر برخی هم‌قبیله‌ای‌های مکی نسبت به پیام وی به شمار آید. در مرحله‌ی چهارم که دوره‌ی مدنی است آیات قرآنی به تشریح احکام کیفری، قوانین مربوط به امور شخصی و خانوادگی نظیر ازدواج و طلاق و ارث، مقررات راجع به آداب و مراسم گوناگون، دعوت به جهاد در راه خدا پرداخته‌اند. (همان، ص ۵۳)

همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد نولدکه نیز به تفصیل از موضوعات مطرح در هر مرحله سخن گفته که البته به غیر از مرحله‌ی دوم، نظراتش قابل تطبیق بر نظرات بلاشر است. بنابراین وی نیز عنایت ویژه‌ای به کاربرد مضمون در تاریخ‌گذاری داشته است.

رودول؛ در تاریخ‌گذاری بیشتر به لحن آیات توجه داشته (رودول، ۱۹۰۹م، ص ۷ و ۶۵-۲۰) و به صورت پراکنده به مضمون سوره در مراحل مختلف وحی اشاره می‌کند، لذا سند مشخص و مستقلی در این رابطه وجود ندارد که بتوان به کمک آن به نقد و بررسی نظرات وی پرداخت. اما با توجه به این که ترتیب رودول در مراحل دوم و سوم و چهارم دقیقاً، و در مرحله‌ی اول با تفاوت در چینش همانند ترتیب نولدکه می‌باشد، پس طبیعی است که ویژگی‌های موضوعی این دو ترتیب نیز نزدیک به هم باشد. بنابراین همان نقدهایی که بر ترتیب نولدکه وارد است، بر ترتیب وی نیز وارد خواهد بود. به طور خلاصه می‌توان موضوعات شاخص در هر مرحله را از نظر این خاورشناسان در جدول شماره ۵ آورد.

جدول شماره ۵- مضامین سوره در مراحل چهار گانه وحی از دیدگاه خاورشناسان

مضامین سوره در مراحل چهار گانه وحی				نظام چهار دوره‌ای
دوره‌ی مدنی	دوران مکی			
طبقه‌ی چهارم	طبقه‌ی سوم	طبقه‌ی دوم	طبقه‌ی اول	گوستاو وایل
سیر حوادث پس از هجرت	بیان جزئیات قصص انبیاء و کیفرهای اخروی	توحید و معاد	_____	
تشریح احکام کیفری، قوانین ازدواج، طلاق، ارث و جهاد	آموزنده و اصلاحگر	تفصیل قصص انبیاء	رستاخیز، برخورد پیامبر ﷺ با مشرکان و تهمت کهنات، شاعری و جنون بر پیامبر ﷺ	نولدکه
موضوعات مربوط به جنگ و قوانین جامعه	موضوعات متنوع و قریب به مرحله‌ی مدنی	مسائل گوناگون	وحدانیت و رستاخیز	بلاشر

در جدول فوق موضوعات شاخص در هر مرحله از نظر وایل، نولدکه و بلاشر آورده شده است. بر طبق این جدول، وحدانیت و رستاخیز موضوع سور مرحله‌ی اول در ترتیب بلاشر و مرحله‌ی دوم ترتیب وایل می‌باشد. رستاخیز موضوعی است که نولدکه در مرحله‌ی اول نیز بدان توجه داشته است؛ موضوعات مشترک دیگری نیز به چشم می‌خوردند، تفصیل قصص انبیاء موضوع مطرح در مرحله‌ی دوم ترتیب بلاشر و مرحله‌ی سوم ترتیب وایل قرار گرفته است. اما همان‌گونه که قبلاً بیان شد هیچ دلیلی بر انحصار موضوع در مرحله‌ای خاص وجود ندارد. به عنوان مثال آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی الإسراء درباره‌ی عدم اسراف در قتل می‌باشد، این موضوع که در مجموعه‌ی احکام کیفری جای می‌گیرد، هم در ترتیب روایی و هم در ترتیب نولدکه در دوره‌ی مکی آمده‌اند. بنابراین تشریح و تبیین احکام کیفری برخلاف تصور نولدکه صرفاً به دوران مدنی اختصاص ندارد.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود بر طبق این جدول، تمامی آیات جهاد در دوره‌ی مدنی قرار می‌گیرند در حالی که آیه‌ی آخر سوره‌ی العنکبوت از سور مکی نیز به مطلق جهاد اعم از جهاد با نفس یا جهاد با دشمن اشاره کرده است، هم چنین بعضی از احکام جهاد در سوره‌ی محمد از سور مکی نیز به چشم می‌خورد. نتیجه‌ای که از بررسی این نمونه‌ها حاصل می‌شود همگی به عدم اعتبار مضامینی که با زمان خاصی ملازمه ندارند، در تاریخ‌گذاری حکم می‌کنند.

مضامین تاریخ‌دار از نظر علمای مسلمان

دانشمندان مسلمان نیز به شاخص مضمون در تاریخ‌گذاری توجه داشته‌اند. برخی هم چون علامه طباطبایی تنها راه برای تشخیص مکی یا مدنی بودن سور را تدبّر در مضامین و تطبیق آن با اوضاع و احوال قبل و بعد از هجرت دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۳۵۳ش، ص ۱۸۷)؛ در حالی که از نظر عده‌ای، صرف مشابهت مضامین سوره‌ها دلیل قاطعی بر مکی یا مدنی بودن آن‌ها نیست و تا در خود سوره‌ها تصریح یا اشاره‌ی قوی به رویدادهای خاص مکی یا مدنی نشده باشد، نمی‌توان به مکی یا مدنی بودن آن‌ها حکم کرد. از نظر این گروه دلیلی وجود ندارد که اگر در سوره‌ای مضامینی درباره‌ی بهشت و دوزخ یا لطف و احسان الاهی ملاحظه شد، به مکی بودن آن سوره حکم داد. چنین مضامین عامی به دوره‌ی خاصی اختصاص ندارد و می‌تواند هم در مکه و هم در مدینه نازل شده باشد. (نکونام، ۱۳۸۰ش، ص ۱۴۲)

از نظر ایشان مضامین تاریخ‌دار مضامینی‌اند که به طور صریح یا غیر صریح به دوره‌ی نزول سوره اشاره داشته باشند. بدین معنا که یا به صورت صریح در آیات قرآن از آن نام برده شده باشد، همانند شکست روم و جنگ بدر که در آیات سوره‌ی الروم و سوره‌ی آل عمران از آن‌ها نام برده شده است و یا به طور غیر صریح به اوصاف واقعه‌ی تاریخ‌دار اشاره داشته باشد. ولی این اوصاف به‌گونه‌ای باشد که آن آیه صرفاً بر همان واقعه تطبیق یابد. نظیر جنگ تبوک که در سوره‌ی التوبه اوصافی از آن ذکر شده است. (همان، ص ۱۰۶)

مثال دیگر، سوره‌ی الحجر از معدود سوره‌های تاریخ‌دار مکی است؛ چون در آن، آیه ﴿فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ﴾ (الحجر، ۹۴) آمده که اشاره قوی به زمان شروع دعوت علنی رسول خدا ﷺ دارد. در روایتی آمده است که دعوت علنی آن حضرت پس از سه سال دعوت سری بوده است. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۱۷۷/سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۲۰۱)؛ بنابراین سوره‌ی الحجر در آغاز سال چهارم بعثت نازل شده است. حال با توجه به این تاریخ می‌توان زمان نزول سوره‌های قبل یا بعد از آن را که فاقد تصریحات یا اشارات قوی به رخداد‌های زمان‌مندند، تخمین زد؛ مثلاً اظهار داشت سوره‌های یونس، هود و یوسف که بلافاصله قبل از سوره‌ی الحجرات قرار دارند، در حدود سال سوم بعثت نازل شده‌اند یا سوره‌های الأنعام، الصافات و لقمان که بلافاصله بعد از آن قرار گرفته‌اند، در حدود سال چهارم بعثت نزول یافته‌اند.

از سایر موضوعات معتبر در تاریخ‌گذاری می‌توان به هجرت (مربوط به سال‌های پنجم بعثت تا هشتم هجرت) و قتال (پس از هجرت) اشاره نمود.

نتیجه‌گیری

شاخص مضامین از جمله شاخص‌های سبک‌شناسی در تاریخ‌گذاری است که غربیان از جمله بلاشر و دانشمندان مسلمان به آن توجه داشته‌اند. با بررسی اقوال و ترتیب نزول‌های بلاشر و سایر خاورشناسان در این زمینه مشخص شد که این شاخص به صورت مطلق در تاریخ‌گذاری اعتبار نداشته و تنها مضامینی که به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم به وقایع زمان‌مند اشاره داشته باشند، در این امر کارگشا هستند. هم‌چنین مشخص شد اگر چه برخی از موضوعات در دوره ی مکی یا مدنی به صورت تغلیب مطرح می‌شده‌اند؛ همانند اصول اعتقادی در دوره‌ی مکی و مسائل پس از هجرت

نظیر جهاد و قوانین اجتماعی در دوره‌ی مدنی؛ اما این‌ها دلیلی بر انحصار مضمون در دوره‌ای خاص آن چنان‌که خاورشناسان تصوّر کرده‌اند نمی‌شود. واقع امر آن است که هر سوره‌ی قرآن به مثابه‌ی باب یک کتاب نیست که به موضوع خاصی اختصاص داشته باشد؛ بلکه مضامین متنوعی را در بر دارد؛ بنابراین برای هر یک از سوره‌های قرآن با عنایت به مضامین مختلف آن‌ها نمی‌توان موضوع و به تبع آن تاریخ خاصی را مشخص کرد؛ از این رو باید گفت بیش‌تر سوره‌های قرآن موضوع واحدی دارند که عبارت از همان موضوع کلی قرآن، یعنی هدایت است.

منابع

- ۱- ابن حنبل، احمد، المسند، بیروت، دار صادر، بی‌تا.
- ۲- اسکندرلو، محمد جواد، مستشرقان و تاریخ‌گذاری قرآن، قم، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.
- ۳- بلاشر، رژی، در آستانه قرآن، ترجمه‌ی محمود رامیار، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۴ش.
- ۴- همو، درآمده‌ی بر قرآن، ترجمه‌ی اسد الله مبشری، تهران، ارغنون، چاپ اول، ۱۳۷۲ش.
- ۵- بهار، محمد تقی، سبک‌شناسی زبان و شعر فارسی، به اهتمام کیومرث کیوان، تهران، مجید، ۱۳۷۷ش.
- ۶- رادمش، سید محمد، آشنایی با علوم قرآنی، تهران، علوم نوین / جامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۴ش.
- ۷- رازی، عبد الله، تاریخ کامل ایران از تأسیس سلسله ماد تا انقراض قاجاریه، تهران، اقبال، چاپ بیست و یکم، زمستان ۱۳۸۶ش.
- ۸- رامیار، محمود، تاریخ قرآن، تهران، امیر کبیر، چاپ سوم، ۱۳۶۹ش.
- ۹- سیوطی، جلال‌الدین، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، دارالکتب العربی، ج ۱، چاپ دوم، ۱۴۲۱ق.
- ۱۰- همو، در المنشور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ق.
- ۱۱- شمیسا، سیروس، کلیات سبک‌شناسی، تهران، فردوس، چاپ پنجم، ۱۳۷۸ش.
- ۱۲- همو، سبک‌شناسی نثر، تهران، میترا، چاپ پنجم، ۱۳۸۰ش.
- ۱۳- همو، سبک‌شناسی شعر، تهران، فردوس، چاپ ششم، ۱۳۷۹ش.
- ۱۴- صبوحی، صالح، مباحث فی علوم القرآن، قم، منشورات الرضی، چاپ پنجم، ۱۳۷۲ش.
- ۱۵- طباطبایی، سید محمد حسین، قرآن در اسلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۵۳ش.
- ۱۶- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
- ۱۷- عاملی، جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، بیروت - لبنان، مرکز الاسلامی للدراسات، چاپ پنجم، ۱۴۲۸ق.

- ۱۸- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق.
- ۱۹- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار ائمه الاطهار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
- ۲۰- معرفت، محمد هادی، تاریخ قرآن، تهران، سمت، چاپ پنجم، ۱۳۸۲ش.
- ۲۱- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.
- ۲۲- نکونام، جعفر، درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن، تهران، هستی نما، چاپ اول، ۱۳۸۰ش.
- ۲۳- همو، «تفسیر سوره‌ی علق در بستر تاریخی»، مجله‌ی مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۷۴، زمستان ۱۳۸۲ش.
- 24- Blacher, Regis, Introduction au coran, Editions Maisonneuve et Larose, 1991
- 25- _____, le coran, Vol2, paris, 1949
- 26- Montgomery Watt, William, AL- KURAN, THE ENCYCLOPAEDIA OF ISLAM
- 27- Rodwell, J. M. The Koran Dent, London, 1909
- 28- Noldeke, Theodor, The Koran, The origins of the koran, Edited by IbnWarraq, 1998